

کارنامه  
کانون شر候ایون اسلامی

مشهد

نشریه پنجم

اسفند ماه ۱۳۳۶

بهاه ریال

---

شرکت نسی حاچانچا خراسان

## یاد آوری لازم

از خوانندگان محترم تمنا هیشود که قبل از قرائت اغلاط را تصحیح نموده  
پس از آن شروع فرمایند . با دقت کاملیکه در غلط گیری بعمل آمد متأسفانه  
برخلاف انتظار اغلاط فراوانی بجای هاند است و ما از بسیاری از آنها که زیانی  
بمقصود وارد نمی‌آورد و خوانندگان حدس ارزند که درست آن چیست هاند  
حذف حرف عطف و یا کم‌وزیاد شدن نقطه و امثال آن صرف‌نظر کردیم و تنها اغلاطی  
را که ممکن است معنی را تغییر دهد اینجا یاد داشت و تصحیح نموده‌ایم .

صحیح	غلط	صفحه	سطر
اصلاح	صلاح	۱۰	۳
ابزار	ابراز	۱۲	۳
عقل	وعقل	۲	۶
متواضع	متوازع	۲۰	۶
موجود	بوجود	۱	۹
سرشماری	شرشماری	۱۱	۹
هانیز می‌کنند	هانیز	۱۹	۹
الغرب	العرب	۲۱	۱۰
فاصل	واسع	۲۱	۱۰
وروح	روح	۱۱	۱۱
از	وار	۱۳	۱۱
دستگاه	ودستگاه	۱۷	۱۱
میباشد	میباشند	۲۰	۱۱

## صفحه

## سطر

## غلط

## صحیح

طلب	طب	۸	۱۲
ما بخدا	تا بخدا	۹	۱۲
خاصی	خارجی	۱۳	۱۳
۱۳۲۵	۱۳۲۶	۱	۱۴
سلطان	سلطان	۹	۱۴
المعالم	المعالم	۱۰	۱۴
من دیدنی	من	۱۰	۱۴
الاهم	الاهم	۱۸	۱۴
هیان همه	هیان مردم	۹	۱۰
رفع	دفع	۱۰	۱۵
هر عویت	هر غوبیت	۱۸	۱۰
و خوزه	حوزه	۲۰	۱۶
همه کارهای نیک	همه کارها	۶-از پاورقی	۱۸
ناروا است	نارواست	۵	۱۹
یا کراحت	ما کراحت	۸	۱۹
برادران کانونی	برادران کانون	۱۴	۱۹
فاقر او	فاقرأ	۳-از پاورقی	۱۹
موفق در	موفق در	۱۶	۲۰

از نصحیح اخلاقیک همکن است خواننده خودش غلط ودن آن را بفهمد  
صرفنظر کردیم .

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ما و د گر آن مشاهده بیداری پیروان ادیان هنسو خود رخواب بودن ماتباع دین جاوید

اسلام و ترقی و تعالی آنها و تنزل و انحطاطها و فعالیت و کوشش آنها  
و سستی و لاقیدیها و عزت و قدرت آنها و خواری و ناتوانی ما وحدت و اتفاق  
آنها و پراکندگی و نفاقها شهامت و جسارت آنها هر عوبیت و ضعف نفسها  
و خلاصه ملاحظه آنها کمال از آنان و اینهمه نقص از ها هر چشم بینا و هر مغز  
حساسی رامتائر میسازد شکفتا! طرفداران کتبی که از حیث لفظ و معنی مرده اند  
هلتی زنده باشند و پیروان کتاب مقدسی که از هرجهت زنده است (قرآن)  
جامعه‌ای مرده؟ آنان که کتاب بهای دینشان کهنه و اکنده از خرافات است دارای  
افکاری نو و حقیقی باشند و ما که قرآن همواره نو و سراسر حقایق است  
کهنه بست و خرافی محسوب شویم؟

نظیری بصدر اسلام اکر بصدر اسلام برگردیم عیناً کس اینحال را  
هیان هسأین و دیگران می‌ینیم مسلمانان آذروز با اینکه تقریبا سه هزار  
بار کمتر از مسلمین امروز بودند و در کشودی ویران و سوزان هیزبستند و از  
داشتن همه گونه اوازم مادی محروم بودند و از تمدن و دانش بهره‌ای نداشته‌اند  
در مدتی اندک چنان پیشرفتی حاصل کردند که افکار مورخین هبرز جهان در  
کشف علل آن سرگردان‌مانده است یکمیشت شتر چران عربستان که در بیابان

لم بزرع و کم آب بینعمت جز از دوراز یکدیگر بسختی و پستی روزگار میگذرانند  
 یکباره مجتمع شده قدرت و عظمتی یافتنند که صفوں ملل عالم را شکافتند  
 و کران تا کران را زیر سلطه و حکومت خویش درآوردند و همالک آباد جهان  
 را متصرف شدند نه بر جها و خندقها زرد شتیان هانع پیشروی آنان گردید و نه  
 سنگرهای استوار و قلعه های محکم رومانیان از حملاتشان جلو گیری کرد  
 ظاهر تمدن دیگران دیدگانشان را خیره نمیساخت و نیرو های ارتش دشمن  
 دلهای محکم شان را نمیترساند و دمیسه کاریهای و سیاست بازیهای اجانب آنها را  
 هر عوب نمینمود و وعده ها و رشوه های مفترضین آنان را نمیفریفت همان اعراب  
 ندانیکه مدت‌ها بتهای سنگی و چوبی را هی پرستیدند بفلسفه عالم درس توحید  
 آموختند و همان قبائلی که همواره بقتل و غارت یکدیگر مباھات مینمودند  
 هساوات و برادر را بهترین یاد دادند و همان چادر نشینانیکه بر سر یکشتر  
 خونها هیریختند بهترین سر هشیق گذشت و ایشار شدند و همان بیسوادانیکه  
 از عهده اداره خانواده خود برنمی‌اعتدند و فرزندان خویش را از ترس فقر میکشند  
 زمام اداره همالکی را بدست گرفتند که قیاصره روم و شاهنشاهان ایران از  
 عهده زمامداری آنها بر نیامده بودند

الحق آنان از نیکو ترین ادله حقانیت دین و ثبوت نبوت خانمیه و برها ن  
 نزول و حی بودند آنها بمنکرین خدا و تکذیب کنندگان پیغمبران  
 فهمانندند که غیر از وسائل و اسباب مادی و ما ورای قوای طبیعی نیروی خارق  
 العاده ایست که بر سراسر جهان و هر چه در آنست حکومت میگند آنها با  
 تسلط بر آبادترین و هترقی ترین کشورهای جهان هانند ایران و روم و مصر

و اسپانیا بمقصد نین عالم ثابت کردند که نیروی ایمان فوق تمدن است و باز همانها  
 بمسلمانان بعد از خود پیامی روح بخش فرستادند که با داشتن قرآن و تعلیم و  
 تعلم صحیح آن میتوان کارهای اداره کتابخانه و ملیونها آژنشگاه را کرد و با  
 نیروی ایمان و سلاح تقوی ممکن است بر همه عالم پیروز گردید بازی آن  
 را در مردان حقیقت جهان و سر حیات را دانستند و آنسانکه باید بور عقل و  
 راهنمائی دین را از چاه شناختند و وظیفه خود را بنیکوتین وجه انجام دادند  
 دین حق را بر عموم ادیان باطل چیره گردانیدند کفر و شرک را برآوردند و  
 فساد و تباہی را محو کردند برادری و مساوات را بر قرار نمودند جو رستم را  
 نابود و عدل و احسان را رایج ساختند آثار و اخبار و علوم و صنایع پیشینان  
 را که بی سپر راه فنا بود احباء و سپس صلاح نمودند و بر آنچه از ملل باستان  
 اقتباس کرده بودند مقدار معتبره از متایع زحمات و بدایع افکار و ابتکارات  
 خویش افزودند و ابزار و مصالح کاخ و بران تمدن قدیم بضمیمه ساختهای خوبیش  
 با استادی و هنرمندی تمام پایه های تمدن امروز را بی افکندند و بشریت  
 از خود را الی الا بد مرهون مساعی خوبیش نمودند و نام بلند شان را هر چه  
 بر جسته قریب صفحه روزگار بعظمت و سر بلندی نگاشتند و خلاصه سیاست  
 دنیا و سعادت عقی را جمع کردند درخت طوبای اسلام را برومند و بارز  
 کردند تا شاخه های پر بربار آن هشتر و هنر را فراگرفت و بر سفید و  
 سیاه سایه افکند و از هیوه های شیرین و سودمندش همه اقالیم بهره ور گشتند  
 اگر بیطرفا نه در علل آنهمه کامیابی بجهت جو پردازیم و از روی انصاف بخواهیم  
 بزرگترین عوامل از موافقیت های بیهمانندی آئی ترقی و تعالی و سعادت و سر افزایی

حیرت بخش را کشف نماییم جز باین نتیجه نخواهیم رسید که قوم گانو امع  
**الله فگان الله هم** یعنی آنها با خدا بودند و خداهم با آنان بودند و آنها وعده  
 داد که اکر او را یاری کنند آنها را یاری کند و قدمهایشان را استوار سازد  
 آن تصریف الله ینصر گم و یثبت اقدام کم آنها با اطمینان بصدق گفتار قرآن و استظهار  
 بنصرت حق دین او را یاری کردند و پیغمبرش را کمک نمودند خدا نیز بوعده  
 خود وفا فرمود یعنی آنها را یاری کرد و بر همه ملل چیره کردند آنها  
 فرمان انتقام الله حق تقویت و لا تمدن الا و اتم مسلمون و اقتضی بحبل  
**الله جمیعاً و لا تفرقوا** را بگوش جان شنیدند و از صمیم دل بکار بستند آنان  
 در مقابل همه تجهیزات و اسلحه دشمن سلاح تقوی داشتند و تا دم مرگ خویشتن  
 را تسلیم اجتماع نمودند و صالح جامعه را بر منافع شخصی آر جیح داده و بمعنی  
 حقیقی کامه مسلمان بودند آنها بر شته خدائی چنگ زده همدست و هتخدشند  
 و از پراکندگی و بد گمانی نسبت بهم سخت بر حذر بودند اینها است سر ترقی  
 و پیشرفت مسلمین صدر اول و فقدان همین واجبات و اسباب است بزرگترین  
 عوامل احتطاط و تنزل و بد بختی و بیچارگی مسلمانان امروز  
**امروز مسلمین** مسلمین امروز از همه کونه وسائل مادی بر خوردارند  
 از حیث عده چند هزار برابر مسلمانان صدر اسلام در موقع فتح ممالک جهان  
 هیباشند از حیث هسکن پهناورترین کشورهای آباد و بر نعمت عالم را از کنار  
 آقیانوس اطلس تا اواسط چین متصرفند کشورهایی که عظیمترین مراکز تمدن  
 آفاق و مسکن هتر قیقرین ملل باستانی و پایانیت بزرگترین پادشاهان جهان  
 بوده و تاریخیترین قطعات روی زمین است

مگر یک قطعه کوچک این ممالک یعنی سرزمین واقع هیان دجله و نیل و سکن  
 اعظم دولت عالم مانند آشوریان، فینیقیان، بابلیان، کلدانیان، اسرائیلیان وغیره‌ها  
 نبوده است؟ مگر فراعنه مصر برای تسلط بر یک قسمت کوچکتر (دره نیل)  
 دهی خدایی ننمودند؟ و مگر خسروان ایران بواسطه سلطنت در قسمت دیگر  
 این اراضی شاهنشاه هلقب نگاشته‌ند؟ امروزه‌م این کشورها باضافه چند برابر  
 آنها از ممالک دیگر در اختیار مسلمین است اراضی حاصلخیز، دریاها و  
 رودخانه‌های مهم، معادن پرسود، آب و هوای پاکیزه و خوش و خلاصه همه  
 گونه وسائل مادی و نروتی‌های طبیعی و نعمت‌های خدادادی را دارند با اینحال  
 هردمی فقیر و بیچاره و ملتی زبون و بد‌بخت هیباشند همای که مانند کمر بنداز  
 شرق اقصی تا غرب افریقا پیوسته بهم سکونت دارند هرگاه اختلافات نژادی  
 و سرحدی حتی مذهبی را کنار گذاشته در سایه پرچم توحید در آمده پشت  
 پیشست یکدیگر گذارند کدام نیروئی هیتواند بر آنها چیره گردد؟ ولی افسوس  
 که ارتباط شرق و غرب در اثر جنگ‌های صلیبی و غیره و شکست شگفت‌مسیحیت  
 از اسلام چنان درس حکمت و عبرتی بمسیحیون آموخت که از آن پس در  
 صدد برآمدند که همه اخلاق و رفخار و رسوم و عادات و آداب و سنن مسلمین  
 را که رمز تعالی هر ملتی تواند بود اقتباس نمایند و در عوض همه عادات زشت  
 و اخلاق نکوهیده خود را بتدریج بر مسلمین تحمیل کنند و چون مل خاور  
 در نتیجه پیشرفت حیرت‌بخش و فتوحات پی در پی بینهایت هغرو رگشته بودند  
 پیروان مسیح با جام مقصود خویش بسهوالت موفق شدند مسیحیون بر اثر ارتباط  
 با مسلمین بخوبی دریافتند که جمود و تهمب نسبت بدین منسوب خود و اطاعت

و تبعه محسن در برابر کتاب عهد عتیق و جدید مهرف که متناسب زمان نیست  
 و عقل را محجوب و علم را موقوف میسازد آنان را برای همیشه در نادانی و  
 گمراهی نگاه خواهد داشت و بیدختی و مذلت خواهد کشاند این بود که  
 دانشمندان متفکر در صدد برآمده بتدریج از حکومت دین وقدرت کلیسا کاستند  
 و راه پیشینیان را رها نموده بتقلید مسامین و شاگردی آنها عقل راحاکم و علم  
 را وجهه همت خویش ساختند و از ذات بعزم و از شقاوت بسعادت رسیدند  
 و از طرفی از حریف زورمند و توانای خود که مسلمین باشند و مغلوبیت و  
 شکست قطعی خودرا در مقابل آنان بچشم میدیدند غافل ننشستند و چون  
 بر عکس روش خویش سر تعالی و ترقی آنها را تعیت از قرآن و دستورهای متعین  
 و مفید آن می یافند ناچار بچاره جوئی پرداختند تا بین آنها و قرآن ناصله  
 ایجاد نمایند و از حرارت ایمان در قاب مسلمین بگاهند و جهت وصول باین  
 هدف همه طور وسائل برانگیختند. بطوریکه قبل اشاره شد قرآن نخست عقاید  
 بالک و معقول خدا پرستی و اعتقاد بروز پاداش و ایمان به محمد (ص) را با آنچه بر او  
 وحی شده است در دلایل پیروانش راسخ ساخت این عقاید مردم را بر هیز کار  
 و با قوی بارمیاورد صفت تقوی مستلزم از خود گذشتگی و تسليم در برابر اجتماع  
 بود در این مرحله اشخاص شایسته نام مسلم هیشندند زیرا اسلام بمعنی تسليم است  
 در اینجا اراد خودرا ندیده و نمیشنادند اینچه در نظرشان اهمیت داشت سود  
 و زیان جامعه بود که برای جلب و دفع آن هیکوشیدند و از جان و مال دریغ  
 نداشند با این ترتیب قهراء هر فردی نسبت با فراد دگر هر بان، خیر خواه، داسوز،  
 آنها، اگزه، صمد، هد دهد. است اتفاق و اتحاد چنین هر دهی چشم

و تفرق و اختلافشان ممتنع است و افراد این جامعه مانند اجزاء یکتن همدیگر را نگه میدارند و چون اعضاء یکبden یکدیگر را کمک هیرسانند و برگرد هم میچرخند اینها نتائج یکدستور قرآن بود که در ضمن چند جمله کوتاه نقل شد (اتقوا اللہ الخ) آنوقت این جامعه یکدل و یکزبان را قرآن بتعقل و تعلم و امیدارد در سراسر این کتاب شریف مردم بکسب علم و بکاربردن عقل تحریض میشوند آیا جز ایمان و تقوی و وحدت و عقل و علم عامل دیگری هم برای ترقی و تعالی ملل از گذشته و آینده بوده و خواهد بود؟ آیا چنین کتابی طرف قیاس با کتبیکه در سراسر آن نامی از عقل و علم بوده نشده میباشد؟ اروپائیان همان اندازه که متوجه زیان تعلیم و تعلم تورات و انجیل شده از نفوذ آن کاستند و قدرت کلیسا را از میان برداشته دین را تابع سیاست قراردادند صد چندان فوائد تاثیر قران را دریافته از آن جلوگیری کردند زیرا آنها دانسته بودند که بگفته هنرتسکیو رعایاهر چه بدتر و نادان تر باشند غلامانی بهتر خواهند بود و پر واضح است که همالک هستعمره طلب هسیحی هرگز نمیخواهند که ملل شرقی بوسیله تعلیمات قران رسید و بیدار گشته از غلامی و برذکی آنان رهائی یابند این است که با تمام قوی کوشیدند تا مسلمین را از فرا گرفتن قرآن و اطاعت احکام و دستورات آن باز دارند و هنرستانه موفق شده مسلمین را باین روز سیاه نشاندند از اینجا معلوم شد که ترقی اروپائیان و انجطاطها از یکنقطه شروع گردید آنها از وقتیکه دین منسوخ خود را کنار گذاشتند بر اهنمائی عقل و پیاری کار و کوشش عزیت و سر افزایی یافتند و ما از ساعتی که از فرمان

قرآن روی تأثیرم شوکت و قدرت و استقلال و عظمت خوشی و سعادتی را که پیشینیان مادر پرتو دیانت کسب کرده بودند از دست دادیم

**اَنْتَ شَهِدُ النَّارِ بِالْمَاضِ فَارْسَدْهُ وَنَعْنَ كَانَ لَنَا ماضٌ فَسِينَاهُ (۱)**

اللَّمْ يَانَ لِلَّذِينَ آهُنُوْ اَنْ فَنْخَشِعَ قَلْبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ آيَا وقت آن نشده که مسلمین بخود آیند و بیاد خدا یافته‌ند آیانبایه جامعه اسلامی برای رهائی از این بدبهختیها چاره‌ای اندیشد ؟ آیا کسی میتواند عزت و سر بلندی و سعادت و کامیابی خارق العاده مسلمانان نخستین را انکار و یا آن ترقیات یینظر را بغیر قرآن انتساب دهد ؟ ما هم که مسلمانیم ماهم که خود را پیرو همین کتاب آسمانی میدانیم پس ان بدبهختی و تیره روزی چرا ؟

اَنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يَغْيِرُ وَآمَّا بِالْقَسْطَهِمْ خَدَاوَنْدَوْقَتِي بِمَرْدَمِي نعمتی بخشید بدون چپت از آنان پس نخواهد گرفت تا خودشان وسیله تغییر آن شوند مسلمین آنروز دارای ایمانی پر جوش و خرات و اعتقادی ثابت و استوار بودند و ما در عقاید خود مست و سرد و گرفتار شک و تردیدیم آنها اهل تقوی بودند و در نتیجه راستگو ، درستکار ، صالح ، نکوکار نوع دوست ، منصف و مقتصد بودند و ماز تقوی بی بهره ایم و در عوض دروغگو خائن ، فاسد تبهکار سنگدل ، بی انصاف و تجملی و خود خواه بوده حاضریم از بی یکسود صدها زیان بجامعه برسانیم آنان همدست و متعدد و نسبت بهم مهر بان و بایگانه درشت و شدید بودند (رحماء بینهم اشداء علی الکفار) و مانسبت بیگدیگر طوری رفتار میکنیم که کافر با مسلمان بدمگوونه معامله نمیکند آنگاه بقدرتی بیگانه پرست هستیم که تمام افعال و آداب و عادات آنان را بنظر توقیر و لاحترام مینگریم ۰

(۱) اروپا از گذشته پنهان گرفت و رستگارشده ولی ماساچوست در خشان خود را از باد بردیم

من در روز (محل احتمال) بزرگ میلاد که برای این  
شهر این کس بپردازد باز اسما (برادر)

۹

و خلاصه امروز همه عوامل انتخاط بلکه موجبات فنا و زوال در جامعه ها بوجود است و چون درست عمل پیدایش آنها را جستجو کنیم بخوبی هی باید که تمام این مفاسد از بی ایمانی و نداشتن تقوی سر چشمه گرفته است چنانچه همه اثربیات و موجبات سعادت و سیاست مسلمانان نخستین هوای ایمان و تقوی بود هنتسکیو میگوید کشور آتن وقتی بزرگترین کشورهای دنیا قدمیم بود قدرت و اقتدار خود را در سایه داشتن تقوی بدست آورد ولی هنگامی که زو با انتخاط رفت و برده ملل دیگر گردید در اثر از دست داشتن تقوی بود و همین کشور وقتی در مقابل حمله ایرانیان مقاومت نموده یونانیان را حفظ میکرد و همچندین ایامی که از امپراتوری یونان در مقابل اسپارتی ها دفاع نمود و بجز بر سیسیل حمله میکرد فقط بیست هزار نفوس داشت و وقتی هم که دمتریوس دو فالر یونانیان را مثل غلامانیکه در بازار میشمارند شرکتی کرد و آتن دچار بدختی گردید و بود باز هم بیست هزار نفوس داشت بس کمبود نفوس تا نیزی در ترقی و انتخاط آن نداشت فقط اخلاق (یعنی وجود و عدم تقوی این و شوهات) ایجاد میکرد ) و باز میگوید سیاسیون یونان قوه دیگری برای حفظ خود بجز تقوی فمیشناختند اما سیاسیون امروز ما صحبت از کار خاده در تجارت و هایله و ثروت و تجمل میکنند و بس هنتسکیو در کتاب خود (روح الفواین) میخواهد در زمان خود زمامداران فرانسه را پیدار و متوجه سازد که باید علت و منشأ تمدن و ترقی را یافت که تقوی باشد نه اینکه شبیه معلول و نوازم تمدن بود امروز این اشتباه را یعنی روشنگران و بزرگان را اصلاح طلبان نمیز

وباتمام قوی ملت را پیروی و تقلید از ملل غرب و امیدارند و راه چاره و رسیدن  
بسعدت و علاج این مفاسد را منحصر بترك تمام آداب و سنن ملی و حتی  
معتقدات دینی واقتباس همه عادات آداب اروپائی تصور میکنند بدیهی است که  
مولود این فکرهم خود اروپاییانند همانطور که گفته شد آنان رشد و ترقی ملل  
شرق عموماً و مسلمان بنده وص را، خلاف صالح و منافی با آقای و سیادت خود  
میدانند از اینجهت باتمام قوی میکوشند تا مسلمانان ملت بدینختی و بیچارگی خود  
می نبرند مباداً در صدد چاره برآیند و همه آنونه وسیله برخی انجیزند تاعلمل اصلی  
سعادت و تعالی را در نیابند این است که به ردمان ندارند و جوانان خود خواه  
ها اینطور وانهود میکند که هر ملت متفرقی با یکدیگر حائزه، راه آهن، سینما  
تئاتر وغیره داشته در وضع شهرها و طرز عمارات و اس澳ب معاشرت حتی در لباس  
پوشیدن و غذا خوردن باید دوش اروپا را در نظر بگیرد و رقص و هوسیقی و  
استعمال مشروبات الکالی و قمار را از ضروریات اولیه زندگانی امروزی معرفی  
وراء صحنه اند و هاغافلیم از اینکه اروپا بوسیله این چیزها مدارج ارتقاء را  
قیموده است هر چند پس از ترقی این اموراهم داشته است بلکه عالم پیشرفت  
آفان همان علم و صنعت و پشتکار فعالیت و اتفاق وحدت بوده است

بطورکلی زندگانی اروپاییان دارای محسن و معایبی است محسن آن  
مولود عواملی است که قرآن بکسب آنها تحریص فرموده و اروپاییان از مسلمین  
فرآگرفته اند معایش همانهاست که خود مؤسس و مخترع آن بوده یا از نیا کان  
شان بارث گرفته اند فعلاً آنچه را بامسائل همانه مدرمل شرق تر و بیچارگی  
همان چیزهاست که اگر آنها را بدینخت و بیچاره نسازد نیکبخت و نیروهند و سر  
افراز خواهند نمود انا مشینا و راء العرب تقیس هن از واره و اصابع ناشطاً یا همادنی بال

اروپا رفتیم تا از فروغ تمدن و آنوار دانش اقتباس نماییم شراره هایش مارسوزاند.  
 از روزیکه اروپا در جامعه مانفوذ نموده تا آنون هی بینیم از علاقه مردم  
 نسبت بدین و تبعیت آنها از قران به قدار معتمد باشی کلاسته شده است مخالفت با  
 روحانیون رویزد فی است زبان عربی مورد تمسخر واستهزا قرار میگیرد چرا  
 باید اروپا و امریکا باهم معایبی که کتاب دنی آنها داراست از آن طر فداری  
 کنند و هتقدات خود را با اینکه آمیخته با هور غیر معقول و خرافی است محترم  
 شمارند حتی برای نشر این عقاید و ترویج آن کتاب سالی ملیونها بیش در کشور  
 های غیر مسیحی صرف نمایند و چرا هنوز از روحانیون خود باهم جنایات بی  
 هانندی که کرده اند طرفداری مینمایند آنوقت کتابی را که وسیله بزرگترین  
 نهضتهای تاریخی بشر شد و جریان تاریخ را عوض کرد و جوامع انسانی را در مسیر  
 تازهای انداخت روح نوینی در بشر دمید

و هنوز هم از آسمان رفت و عظمت آنوار معنوی خود را در همه آفاق جهان  
 هی برآکند و از نظرها بیندازند و عقایدیرا که تنها سبب آسایش دنیا و نجات  
 آخرت است از طرق مختلف در انتظار عده ای مورد حمله و ایراد ساخته باشد کم مشکوک  
 و هر دد سازند و علماء اسلام را که در تمام ادوار تاریخ بزرگترین خدمتگذاران  
 جامعه از میان آنها بر میخواسته و هیچگاه یکی از هزارها اعمال شرم آور و مظلوم  
 بیحد و حصر و دستگاه روحانیت مسیحی از آنان مشاهده نگردیده و در خلاف آنها  
 که همواره منع پیشرفت علوم و زمین اوده اند این بزرگان خود مروج آن بوده  
 و در علوم غیر دینی هم هر از رو شاهکاری است باز از همین روحانیون و امثال خواجه  
 طوسی و شیخ بهائی و غیر هم بیباشند هستند و هنفور کنند وزان عربی را که زبان  
 ق آن و هذه مال است ملاوه طهد، مافارس، آمیخته است که انگاکش محال و

صرف نظر کردن از آن گذشته از اینکه غیر ممکن است مستلزم صرف نظر نمودن  
از آثار جمیع مفاخر ناریخی ها و کنار گذاشتن همه استناد ملی و شاهکارهای علمی  
و ادبی هامیباشد مورد طعن و دیشند قراردهند اگر اختلاف اینچه سبب همسخرگی  
است چراز بانهای بیگانه دیگر برآکه به راتب دور تر از اینچه و زبان و ذهن ماست  
تمسخر نمیکنند بلکه بعکس در ترویج آنها میکوشند

باری ما باین دلائل و هزاران ادلاء دیگر تنها راه وصول سعادت را برای عموم  
ملل شرقی و خصوص ایرانیان منحصر بپیروی از حکام دین و اعتقاد بر شته خدائی  
که قرآن است میدانیم ما معتقدیم که هر جمیعت اصلاح طب با هر قوه و قدرتی  
که داشته باشد از غیر این راه موفق بهیچ کاری نخواهد شد تا بخدا آید. ان داریم و  
قرآن را گفته او میدانیم و عقیده داریم که سخن دروغ و باطل دران نیست او  
بما میگوید «سستی نگنید، اندوهگین هبایشید و شما برتر و بالاتر از همه ملل  
خواهید بود اگر دارای ایمان باشید» ولا تهذوا ولا تحزنوا و انتهم الاعلون ان  
کفتهم مفهمن و باز هیفرهاید (العزة لله وللرسول وللمؤمنین) عزت خاص خدا  
و پیغمبر و اهل ایمان است بنا بر این هایقین داریم که اگر ما بخدا بر گردیم  
و اهل ایمان شویم و درست باحکام و دستورات قرآن عمل کنیم خداوند همان  
عزت و قدرت و شوکت و سعادت از دست رفته ها را بمناسبت خواهد گرداند  
ردی این فکر و نائز بینهایت از این تشیت فکری و شیوع مفاسد و اختلاف تدید  
طبقاتی و هزاران بد بختیهای دیگر در صدد برآمدیم بسهم خود در مهاجره امر ارض  
اجتماعی کوشش و وظیفه دینی وجودانی خوبیش را در حدود استطاعت و قدرت  
از همام دهیم و دین خود را نسبت بعمل و میهن ادا کنیم و خدارا سپاسگزاریم

که از سه سال پیش تاکنون موفق بانجام خدمات بزرگ گردیده‌ایم. ببرکات قرآن عده بسیاری از جوانان تحصیل کرده را که بکلی از دین بیگانه و دارای افکاری بس همسو بودند بشاهراه دیانت هدایت نموده‌ایم و افراد بیشماری را که در انجام تکالیف دینی لاقید بودند باسلحه ادلله محکم مسلح نموده‌ایم که هم اکنون چه زیادیرا که مستعد بوده‌اند باسلحه ادلله محکم مسلح نموده‌ایم که هم اکنون چه در مرکز و چه در سایر شهرهای ایران یا خارجه در هواوم مقتصی بجهاد و دفاع علمی مشغول و از خدمات خودمارا مطلع وهم هسرور و هفتخر می‌سازند در سخنرانی‌های دینی و تفسیر قرآن مجید و بیان مصائب خاندان جلیل پیغمبر و اولاد آن بزرگوار سبک تازه‌ای بوجود آورده‌ایم که مورد پسند عموم از هنقدم و متجدد واقع گردیده است و در عین حالی که جوانان و داش آموزان دیرستانها آغوش باز استقبال مینمایند علماء و روحانیون نیز بسیم خود تقدیر و تقدیر فرموده‌اندو این خود بزرگترین دلیل است که روحانیون بزرگ‌ها بهیوچه طرفدار جمود و طرف با پیشرفت و ترقی نیستند و اگر کاهی با جربان خارجی مخالفتی نشان داده‌اند از اینجهت بوده است که آن را مخالف دین تشخیص داده‌اند ها بجمع آوری اشخاص صالح و دین باور و تربیت و تهذیب افراد مستعد بیش از هر نشریه و هر گونه سخنرانی اهمیت میدهیم و ترویج دین را از راه عمل بیش از هر طریقی مؤثر میدانیم لذا باینکار همت گماشته و در راه وصول باین منظور فعالیت شدیدتر و صرف وقت بیشتری کرده‌ایم و تاکنون از طرف مخالفین دین بویژه مادیون مواجه با اشکالات و شد اهدی طاقت فرسا شده و جز اطف خدا و عنایات عالیه ارواح پاک اولیای او هیچ پشتیبانی نداشته‌ایم تا در هجره.

سال گذشته ۱۳۶۶ جمعی از خیر خواهان با ما موافقت نموده  
 محلی ثابت برای سخنرانی و تفسیر تهیه کرده و انانه لازم آن را از هر جهت  
 خریداری و تهیه و مخارج آن را از کیسه فقط خود پرداخته اند و چون جمعیت  
 هابهمت آن نضجی گرفت و از بیسامانی نیحات یافت و برای ادامه خدمات خود می‌حالی  
 بیش بیدانه و دسز او را نامی هیبود که تاحدی با همسماه موافق و مناسب باشد لذا (کانون  
 نشر حقایق اسلامی) نامیده شد و خداوند گواه مال است که آنچه میگویند عین  
 صدق و آنچه تاکنون کرده یا انجام آنرا در نظر گرفته ایم صرف حق و حق صرف  
 بوده و جز امثال اوصاف و ترویج دین و خدمت به جامعه غرض و هدفی نداشته و نداریم  
 اللهم اذك فعلم إنهم يكـنـ المـذـنـيـ كـانـ هـنـاـ هـنـافـهـ فـيـ سـطـانـ وـلـاـ الـتـهـاسـ  
 شئـيـ هـنـ فـيـ سـرـ لـاحـظـاـمـ وـلـكـنـ لـفـرـ دـالـهـاـمـ هـنـ وـنـظـمـ الـاصـلاحـ فـيـ بـلـادـكـ  
 (نهج البلاغه) باز خدایا تو میدانی که ما از این اقدام که کردیم و رنجها که تتحمل  
 نمودیم حب جاه و مقام نداشته استفاده مادی و کسب نرود نخواستیم ولی غرض  
 و نظرها ترویج دین و اصلاح افراد و بخصوص طبقه جوان و تحصیل کرده بود و  
 هیبت اعمال گذشته ما اینمدعی را نبات نموده و در آینده نیز اگر موفق بادامه این  
 خدمت شدیم ثابت تر و روشن تر خواهد شد  
 هادر این مقدمه مقصود و منظور خود را تعیین و ترتیب کارخویش را نیز روشن  
 ساختیم که ترویج و تعلیم قرآن و عملی ساختن احکام و دستورات شریف آن می  
 باشد با در نظر گرفتن الام فلاهم ولی از هم تاکیداً قسمی از آنچه را در نظر گرفته  
 ایم جزء وجدا و جدا نامیدیم که بخواهند در این راه با ما همقدم  
 شوند با خود چنین رونمی ایجاد کنند با بصیرت بیشتری اقدام فرمایند.

## نیات ما

- ۱ - انبات ازوم دین ویا ن فوائد دنبوی و اخروی آن و مضر بیدینی.
- ۲ - اثبات حقانیت دین شریف اسلام و اینکه تنها راه سعادت بشر هنحص  
پیروی از این دیانت مقدس و بکار بستن احکام همین قران همین است.
- ۳ - اثبات غلط بودن روش امروز مسلمین ویان تسامح و نقہ پر یکه نسبت بدین  
خوبیش همینه مایند و لازم فعالیت کامل در تعریف و ترویج آن و وجوب بخود آمد
- از این غفلت و کسلت وی خبری بطور سریع و فوری
- ۴ - ایجاد حرارت دینی و غرور ملی و تقوای دینی و سیاسی (۱) در قلوب زن  
و مرد و پر جوان و عوام و خواص.
- ۵ - ایجاد اتحاد و صمیمیت و تقویت حس همکاری و همدردی در میان مردم  
افراد و طبقات مسلمین و کوشش دردفع سوء تفاهمات و بدینهای و بدگمانیهای که  
دشمنان اسلام به اختصار بهانه‌ای از قبیل اختلاف در شغل و لباس و سلیقه و امثال آنها  
درین مردمیکه از حیث تزاد رقابت و میهن و مذهب وزبان و جهات متعدد دیگر  
باهم متجدد و هتفقد بوجود آوردند
- ۶ - هیارزه شدید باهمه مقاصدیته اساس ملیت و مذهب هارا متزلزل ساخته  
و آن بآن برخواری و بدینختی مalfزو de بفناوه هلاکمان نهادید هیکنند از قبیل نادانی  
ذو هیدی، کاهلی و بدینی، هسکرات و افیون، قمار و فحشاء و خرافاتیکه در امور  
دینی فنون علمی، شئون اجتماعی و کلیه آداب و رسوم هارواج یافته و  
هر غوبیت فوق العاده و حشت غیر عقلائی و یعنی از سیاست بازی و دسیسه کاری بیگانگان

(۱) تقوی سیاسی بمعنی یا کی وینظری و در نظر گرفتن صلاح کشور و ملت  
است و در حقیقت جزوی از معنی تقوی دینی است

- ۷ - تمهیم تعلیم قرآن با نفسی آن بدون اصطلاحات بفرنج و پیچ در پیچ علوم  
بشری و عادت دادن عموم سلیمانی بتدبر در معانی این کتاب شریف و امثال فرامین  
آن بوسائل ممکن و متنوع.
- ۸ - رواج یافتن امر بمعروف و نهی از منکر با شرایطی که شرع معین فرموده است.
- ۹ - و اداشتن مردم بحفظ حقوق و حدود خودشان یعنی هسلمانان بدانند  
که هر کسی حدود و حقوقی دارد که حدودش را خود او و حقوقش را دیگران  
پایید رعایت کنند.
- ۱۰ - احیاء و ترویج شعائر مذهبی و ملای باطرز مشروع و معقول.
- ۱۱ - اثبات موافقت کامل اسلام با علم و تمدن صحیح و بیان مفاسدی که  
تمدن امروز دارد و سختیها و بد بختیهایی که برای بسرا پیگاد نموده است.
- ۱۲ - دفاع از اسلام و پاسخ اعتراضات بدخواهان و مغرضین با ادله عقلی و علمی.
- ۱۳ - بالا بردن سطح افکار عمومی و بیدار کردن ملت و متوجه ساختن آنها  
به جنایات و خیانتهایی که بیگانگان بطرق مختلف نسبت به ستمین بوژه ایرانیان  
هینهایند و امداد از بزرگان و دانشمندان و توانگران فعال و رشید و خیر برای  
چاره ورزی و مبارزه در مقابل اینگونه دشمنان.
- ۱۴ - شناساندن مقام روحانیت بجهانه و واداشتن مردم با احترام و تجلیل از  
روحانیونی که حقا سزاوار این نام و شایسته این عنوان باشند.
- ۱۵ - تمرکز دادن نیروهای فکری و ملای وعای که هم اکنون در راه دین  
جدا جدا و متفرق هصرف هیشوند و افزودن براین نیروهای مجمع و مدهر کریمی.
- ۱۶ - ایجاد انجمنهای سینما و مناظره حوزه های درس دینی و تاسیس کتابخانه ها

و مطابع و نشر و طبعات مفید دینی

۱۷ - و اداشتن مسلمین کاهل با هجامت تکالیف و کمک بایکدیگر و دستگیری از درهایندگان و اعانت با شخص عاجز و بد بخت را ثابت اهمیت این اعمال در دنیا و آخرت

۱۸ - و اداشتن توانگران بتادیه حقوق واجبه و مستحبه الہی و تشویق ضلاب هستهد و صالح بطرق مختلف و ترویج و تقویت هوسسات و آنجمنه او مطابعات دینی و اشخاص هر روح و مقدم در امر دین

۱۹ - هبارزه شدید با اشخاصیکه بعنوان خیرخواهی و سیله افرق مسلمین را فراهم نموده به اماء و مبلغین و هر کس در راه دین قدمی بردارد و یاسخنی بگوید و بنویسد و یارچی پردازد تهمتی ای ناروا هیزنند و در نتیجه اینان را در اقدامات خیرخواهانه و سودمندانه دلسرد و دیگران را از آنها هیرهانند و از همکاری با آنان بازمیگردند و خلاصه مصدق کامل هناع المخیر هفتادمین میباشد و مگر در وردیکه دلیل کافی و قطعی و عالم یقینی بخیانت عدم صلاح متهم موجود باشد و باید دانست که امروز ضرر اینگونه اشخاص یاوه سرای در غرگوی تهمت زندگانی خود دانسته یا نداشت آلت اجرای اغراض فاسده دشمنان دینند در این ایام نسبت بدیانت مقدس اسلام از هر چیز و هر کس زیادتر و شدیدتر است

۲۰ - فراهم ساختن مجالس درس اخلاق و احکام و تعلیم عقاید برای نوباوگان و کودکان بطوریکه در هر محل دست کم یک مجلس درس باشد تا اطفال مسلمین از کوچکی بروش دینی تربیت شده بدان خوکیرند اینهاست نیات ما که بتوافق خداوند بعضی از این مقاصد را اجرانموده و عنقراب بتجهات ولی صر (ع) بقیه را نیز عملی خواهیم ساخت

## وظائف افراد کانون

- ۱ - هر یک از افراد کانون نباید در اصول عقاید بتقلید صرف از پدر و مادر و محیط خود قناعت ورزد بلکه باید در حد فهم و علم و سن خود بتحقیق پردازد و آنها را با استدلال فراگیرد (۱)
  - ۲ - بفرایض دین که هر مسلمان عاقل بالغی بدارد مکلف است عمل نماید (هر یک از آنها در قرآن و روایات تعبیین و تصریح شده است)
  - ۳ - هر کار و شغلی که دارد احکام متعلق با ان را بیاموزد و کار بندد (۲)
  - ۴ - از معاصی کبیره جدا احتراز نموده برگناههای کوچک نیز اصرار نورزد (۳)
  - ۵ - از فروع واجبه دو وظیفه را بسیار مهم شمرده بدان عمل کند بلکه از تمام اعمال و وظایف خود مهتر و لازم ترشمارد
- الف - اهر به معروف و نهی از منکر با شرایطی که شرع معین نموده است که از جمله دانستن آن و انجام معروف و ترک منکر است (۴)
- ب - سعی در اتیام میان افراد باطبقات مسلمین که بجهتی از یکدیگر رنجیده و رهیده اند (۵)

- ۱ - کتابی در اینخصوص بقام آفای شریعتی بنام اصول عقاید نوشته شده و بطبع رسیده است
- ۲ - این دستور یکی از وجوده معانی حدیث معروف طلب العلم فریضه علمی کل همدم است «کمیای سعادت غزالی»
- ۳ - الذين يجتنبون كبائر الاثم و الفواحش الا اللهم
- ۴ - امیر المؤمنین میفر ماید نسبت همه کارها و جهاد در راه خدا بامر معروف و نهی از منکر مانند نسبت و طربت بخار دهان است بدریایی بزرگ «نهج البلاغه»
- ۵ - امیر المؤمنین میفر باید صلاح ذات الیین از هر نماز و روزه بهتر است «نهج البلاغه»

۶ - با خلاق پاک و نیک مقید و متعالق باشد که پیغمبر ما (ص) فرموده است

«من برای تکمیل مکارم اخلاق ارانگیخته شده‌ام»

۷ - برای تامین منظور فوق دعای مکارم الاخلاق را از صحیفه شریفه سجادیه

و در صورت احتیاج از صحیفه هترجم روزی یکباره ادامت کم هفتاهای دوبار بخواند (۱)

۸ - زبان و گوش و دل خود را از گفتار واستماع و اندیشه چیزی که نارواست است

هائند تهمت و دروغ و بدگمانی درباره مسلمانان نگاه دارد و بداند که بدترین مسلمان

ها آنست که نسبت به مسلمان دیگر بدگو و بدگمان بوده باشدی او را بدون

هنع با آگراحت بشنو: (۲)

۹ - هر روز قدری از قرآن که میسر او باشد با توجه به معنی و تضمیم عمل بخواند (۳)

۱۰ - در هر روز یاد است کم در هر هفتاه سعی گند قدری از اطلاعات دینی کسب کند

۱۱ - صبح که از خواب حرکت هیکنند تضمیم بکیرد که در آزروز خدمتی

با اسلام یا کمکی بمسامین در حد استطاعت خود بنماید هر چند آن خدمت و کمک

بسیار اندک باشد و از آزار مسلمانان و صدمه بدین و او خیلی کم باشد بپرهیزد (۴)

۱۲ - هر یک از افراد کانون باید نسبت بسایر برادران کانون با کمال صمیمیت و

محبت رفتار نموده از هر گونه مساعدتی که مقدور او است در باره آنها در بین

ندارد یعنی رفتار افراد این موسسه در حقیقت باید نهونه کامل برادری اسلامی باشد (۵)

۱ - کانون این دعا را بیاری خدا ترجمه خواهد گرد

۲ - ولا تقف ما لیس لک به عالم (الخ)

۳ - فاقرأ ما تيسر منه

۴ - هن اصبح و لم یو تم بامود المسلمین ذا یس بہ سلم

۵ - الْوَهْنُونِ اخْرَهُ

این روشهی است که مالازمه سال و اندی پیش در نظر گرفته و بدون کوچکترین تظاهر و هیاهوئی با نهایت همتا نت و بردباری پیش رفته ایم و یاوه سرائیه هائی که ممکن است اشخاص ضعیف النفس و کم اراده را از کار باز دارد هیچگونه انری در مان و حتی در برادران جوان مانند موده است و مصادق (لَا يَخْافُونَ فِي الْأَنْهَارِ وَ لَا يَأْتُمْ) از سرزنشها و گفتگوها در راه انجام وظیفه و ترویج دین بالک نداریم و ضمناً موافقت کامل و تشویقات مردان بزرگ از هر طبقه روحانی؛ اداری؛ تجار و کسبه، پیرو جوان ما را نسبت به بیهوده گوئیهای مردم نداد و بی همه چیز بی اعتمادتر نموده است.

خوانندگان محترم در صورتی که شما به پیشرفت امور دینی و اصلاحی و ترویج شرع و تعلیم و تبلیغ قرآن کریم و احکام آن علاوه نمذہستید و در این مدت طولانی ترتیب کار و روش تبلیغ مارا دانسته و پسندیده اید هیتوانید با همکاری خود ما را هفت تخر سازید و از کمک فکری و عملی خوبیش از ماضی شتیبانی نمائید و اگر هم این طریق را بجهاتی نپسندیدید اختیار باشما است و باناید خداوندو توجهات ولی عصر ما خودمان تا آنجا که مقدور و مقدر است پیش خواهیم رفت و انتظار هیچ گونه مساعدتی از کسی نداریم و در خواست موافقت از اشخاص تنها از نظر خلیل آنها است نه احتیاج کانون خداوند ها و شمارا در انجام وظائف دینی موفق در و در ترویج این دین مقدس مؤید بدارد پایان